



The Position of Asadabad Pass in the Historical Geography and Political-Economic Transformations of Iran from Antiquity to Contemporary Times

zoleikha Amini^{1*}, Shahram Rahnama²

^{1*}- Assistant Professor, Department of History, Seyyed Jamaluddin Asadabadi University, Hamedan, Iran. z_amani@sjau.ac.ir

²- Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Lorestan University, Lorestan, Iran. rahnama.sh@lu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Received:

28/10/2025

Accepted:

26/12/2025

ABSTRACT

The Asadabad Pass, situated on the western slopes of Mount Alvand and along the Hamadan–Kermanshah route, is considered one of the oldest and most significant natural passages across the Iranian Plateau. Throughout history, this pass has played a prominent role in the country's political, military, economic, and cultural transformations. This study, employing a descriptive-analytical approach based on historical and geographical sources, examines the position of the Asadabad Pass from the ancient era up to contemporary times, seeking to elucidate the reasons for its sustained importance within the structure of Iran's historical geography. The findings indicate that from the Median and Achaemenid periods through the end of the Sasanian era, the Asadabad Pass served as the western gateway to Central Iran, playing a decisive role in controlling communication and defense routes. During the Islamic periods, particularly from the Middle Ages up to the Safavid era, the Hamadan–Asadabad–Kermanshah route transformed into one of the main military, commercial, and pilgrimage axes, leading to a simultaneous increase in the region's economic importance. In the Safavid, Afsharid, and Qajar periods, this passage was vital for the movement of armies, trade, and religious caravans. In contemporary times, due to its strategic location, it has attracted the attention of both domestic and foreign forces. The natural location of the pass has been the primary factor in its continuous historical importance- a feature that has kept this passage not merely a route of transit, but a geographical, cultural, and historical link between the East and West of Iran.

Keywords: Asadabad Pass, Adrapana, Historical Geography, Ancient Routes of Iran.

Cite this article : Amini zoleikha; Rahnama, Shahram, (2025), "The Position of Asadabad Pass in the Historical Geography and Political-Economic Transformations of Iran from Antiquity to Contemporary Times", *The History of Village and Rural Settlement in Iran and Islam*, Vol. 3, No. 2, P: 97-113.

DOI: 10.30479/hvri.2025. 22974.1100

© The Author(s).



Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author :** zoleikha Amini

Address: Assistant Professor, Department of History, Seyyed Jamaluddin Asadabadi University, Hamedan, Iran.

E-mail: z_amani@sjau.ac.ir

جایگاه گردنه اسدآباد در جغرافیای تاریخی و تحولات سیاسی - اقتصادی ایران از

باستان تا معاصر

زلیخا امینی^{۱*}، شهرام راهنما^۲

۱- استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه سیدجمال الدین اسدآبادی، همدان، ایران. z_amini@sjaui.ac.ir

۲- استادیار، گروه معارف، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران. rahnama.sh@lu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	گردنه اسدآباد، واقع در دامنه‌های غربی کوه الوند و در مسیر ارتباطی همدان-کرمانشاه، از کهن‌ترین و مهم‌ترین گذرگاه‌های طبیعی فلات ایران به‌شمار می‌آید. این گذرگاه در طول تاریخ، نقشی چشمگیر در تحولات سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی کشور ایفا کرده است. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و بر پایه‌ی منابع تاریخی و جغرافیایی، به بررسی جایگاه گردنه اسدآباد از دوران باستان تا روزگار معاصر می‌پردازد و تلاش می‌کند دلایل تداوم اهمیت آن را در ساختار جغرافیای تاریخی ایران روشن سازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از دوره‌ی مادها و هخامنشیان تا پایان عصر ساسانی، گردنه اسدآباد به‌منزله‌ی دروازه‌ی غربی ایران مرکزی، نقشی تعیین‌کننده در کنترل راه‌های ارتباطی و دفاعی داشته است. در دوره‌های اسلامی، به‌ویژه از قرون میانه تا عصر صفویه، مسیر همدان-اسدآباد-کرمانشاه به یکی از محورهای اصلی نظامی، تجاری و زیارتی تبدیل شد و هم‌زمان اهمیت اقتصادی منطقه نیز فزونی یافت. در دوره‌های صفویه، افشاریه و قاجاریه، این گذرگاه در جابه‌جایی سپاهیان و کاروان‌های تجاری و مذهبی نقشی حیاتی ایفا می‌کرد و در دوران معاصر نیز به سبب موقعیت سوق‌الجیشی خود، مورد توجه نیروهای داخلی و خارجی قرار گرفت. موقعیت طبیعی گردنه، عامل اصلی تداوم اهمیت آن در طول تاریخ بوده است؛ ویژگی‌ای که موجب شده این گذرگاه نه‌تنها مسیر عبور، بلکه پیوندگاه جغرافیایی، فرهنگی و تاریخی شرق و غرب ایران باقی بماند.
دریافت:	۱۴۰۴/۰۸/۰۶
پذیرش:	۱۴۰۴/۱۰/۰۵
واژگان کلیدی:	گردنه اسدآباد، آدراپانا، جغرافیای تاریخی، راه‌های باستانی ایران.

استاد: امینی، زلیخا؛ راهنما، شهرام (۱۴۰۴)، «جایگاه گردنه اسدآباد در جغرافیای تاریخی و تحولات سیاسی - اقتصادی ایران از باستان تا معاصر»، فصلنامه تاریخ روستا و روستانشینی در ایران و اسلام، سال سوم، شماره دوم، صص ۹۷-۱۱۳.



DOI: 10.30479/hvri. 2025. 22974.1100

حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)

مقدمه

جغرافیای تاریخی ایران، به‌ویژه در ناحیه‌ی غربی فلات ایران، همواره نقشی بنیادین در شکل‌گیری مسیرهای ارتباطی و تحولات سیاسی کشور داشته است. رشته‌کوه زاگرس، با گذرگاه‌ها و گردنه‌های پرشمار خود، به‌منزله‌ی پلی طبیعی میان ایران مرکزی و سرزمین‌های غربی، به‌ویژه بین‌النهرین، عمل کرده است. در میان این گذرگاه‌ها، گردنه‌ی اسدآباد در دامنه‌ی کوه الوند جایگاهی ممتاز دارد. این گردنه، که در مسیر تاریخی همدان-کرمانشاه واقع شده، از روزگار مادها تا دوره‌ی قاجار، یکی از شریان‌های اصلی عبور سپاهیان، کاروان‌های تجاری و زائران به‌سوی عتبات عالیات بوده است. موقعیت ویژه‌ی آن در نقطه‌ی اتصال دو حوزه‌ی جغرافیایی کوهستانی و جلگه‌ای، گردنه‌ی اسدآباد را به یکی از گلوگاه‌های راهبردی ایران در طول تاریخ بدل ساخته است.

اهمیت گردنه‌ی اسدآباد صرفاً در موقعیت طبیعی آن خلاصه نمی‌شود؛ بلکه به سبب قرار گرفتن در مسیر یکی از کهن‌ترین راه‌های باستانی ایران، یعنی راه ارتباطی هگمتانه با بین‌النهرین، در شکل‌دهی به بسیاری از رخدادهای سیاسی، اقتصادی و نظامی نقشی چشمگیر داشته است. این مسیر در دوران ماد و هخامنشی، به‌عنوان راه فرعی شاهراه شوش-سارد، و در دوره‌های بعدی، از زمان اشکانیان و ساسانیان تا حکومت‌های اسلامی، به یکی از محورهای اصلی ارتباط ایران مرکزی با غرب بدل شد. تسلط بر این گردنه، در واقع به معنای کنترل شاهراه غربی کشور و دسترسی راهبردی به عراق عرب محسوب می‌شده است. پرسش کلیدی این پژوهش آن است که: چه عواملی موجب شده گردنه‌ی اسدآباد در طول تاریخ ایران، از روزگار باستان تا دوره‌ی معاصر، جایگاهی پایدار و راهبردی در تحولات سیاسی و اقتصادی کشور حفظ کند؟ برای پاسخ به این پرسش، مقاله‌ی حاضر با بهره‌گیری از منابع تاریخی، جغرافیایی و سفرنامه‌ها، جایگاه این گردنه را در سه محور مورد بررسی قرار می‌دهد:

۱. نقش جغرافیایی و ارتباطی در پیوند شرق و غرب ایران؛

۲. نقش سیاسی- نظامی در کنترل مسیرهای راهبردی؛

۳. نقش اقتصادی و فرهنگی در شکل‌گیری شبکه‌های تجاری و زیارتی.

در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی درباره‌ی راه‌های باستانی و شبکه‌های ارتباطی ایران انجام شده است؛ با این حال، گردنه‌ی اسدآباد با وجود اهمیت چشمگیرش در تحولات تاریخی،

کمتر به صورت مستقل و تحلیلی مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر می‌کوشد با تکیه بر منابع تاریخی و تحلیل تطبیقی دوره‌های مختلف، جایگاه این گردنه را در تاریخ ایران بازشناسد و اهمیت ماندگار آن را در ساختار جغرافیای تاریخی کشور تبیین کند.

۱. گردنه‌ی اسدآباد از دوران باستان تا پایان دوره‌ی ساسانی

گردنه‌ی اسدآباد، در دامنه‌ی غربی کوه الوند، یکی از کهن‌ترین گذرگاه‌های طبیعی فلات ایران است که از روزگار مادها در مسیر ارتباطی هگمتانه (همدان) به دشت کرمانشاه و سرزمین‌های میان‌رودان قرار داشته است. موقعیت طبیعی این گردنه، در مرز میان دو اقلیم کوهستانی و جلگه‌ای، موجب شده است تا از دیرباز به منزله‌ی «دروازه‌ی غربی ایران مرکزی» شناخته شود. بررسی منابع تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که این گذرگاه نه تنها راهی ارتباطی، بلکه عاملی تعیین‌کننده در شکل‌گیری مناسبات سیاسی و نظامی غرب ایران بوده است. گردنه‌ی اسدآباد همواره نقشی تأثیرگذار در تحولات منطقه‌ای و ملی ایران ایفا کرده است.

کوروش، اسکندر، اعراب و مغولان از این مسیر عبور کرده‌اند؛ گذرگاهی که به سبب دره‌های عمیق و شرایط طبیعی خاص خود، همچون سدی دفاعی در برابر مهاجمان عمل می‌کرده است (بلوشر، ۱۳۵۸: ۴۰). قرار گرفتن اسدآباد در مسیر اصلی و کهن ارتباطی ایران مرکزی با بین‌النهرین نیز به آن جایگاهی منزلگاهی و ارتباطی بخشیده بود (دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۲۵۵/۸).

در دوران مادها، انتخاب هگمتانه به عنوان پایتخت، اهمیت ارتباط آن با مناطق غربی و میان‌رودان را دوچندان کرد. راهی که از بابل آغاز می‌شد و پس از گذر از حلوان، کنگاور و گردنه‌ی اسدآباد به هگمتانه می‌رسید، از نخستین مسیرهای شناخته‌شده‌ی میان شرق و غرب ایران به شمار می‌رفت (مشکور، ۱۳۶۳: ۶). در این زمان، گردنه‌ی اسدآباد مسیر عبور سپاهیان و کاروان‌هایی بود که از ماد علیا به سوی میان‌رودان می‌رفتند. از همین رو، جغرافی‌دانان یونانی از آن با نام باستانی «آدراپانا» یاد کرده‌اند. واژه‌ی آدراپانا از ریشه‌ی فارسی باستان به معنای «دارنده‌ی تقدس و حمایت آتش» است (احدیان، ۱۳۸۸: ۱۶۹)، که نشان‌دهنده‌ی جایگاه مذهبی و آیینی منطقه در سنت دینی ایرانیان است. جکسون در کتاب *ایران در گذشته و حال* یادآور می‌شود که در قرن نخست میلادی، برای عبور از سرزمین ماد از اسدآباد گذشته و از این شهر با نام «آدراپانا»

یاد کرده است. او این گذرگاه را محل توقف و استراحت تمام مسافرانی می‌داند که از این مسیر باستانی عبور می‌کردند (جکسون، ۱۳۵۷: ۲۸۰-۲۸۱).

در دوره‌ی هخامنشی، با شکل‌گیری شبکه‌ی راه شاهی، اهمیت گردنه‌ی اسدآباد به اوج تازه‌ای رسید. اسدآباد در مسیر جاده‌ی میان بین‌النهرین و شوش به همدان قرار داشت و وجود گردنه، که در مواقع اضطراری - از جمله اقامت زمستانی - مورد استفاده بوده، آن را همواره در کانون توجه قرار داده است (غنی‌پارسا، ۱۳۹۵: ۳۲). هرچند مسیر اصلی راه شاهی از شوش تا سارد امتداد داشت، اما شاخه‌ای فرعی از آن، هگمتانه را از طریق گردنه‌ی اسدآباد به میان‌رودان متصل می‌کرد. کنترل این مسیر، به معنای سلطه بر شاهراه ارتباطی با غرب بود و بدین ترتیب گردنه‌ی اسدآباد به یکی از نقاط استراتژیک امپراتوری بدل شد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که این گردنه دروازه‌ی ورود به ماد علیا محسوب می‌شد و در دوران بعدی نیز همان جایگاه را حفظ کرد.

در دوره‌ی اشکانی، با قرار گرفتن پایتخت در شرق کشور، حفظ ارتباط با نواحی غربی از منظر نظامی اهمیت بیشتری یافت. جنگ‌های مکرر اشکانیان و رومیان در غرب ایران سبب شد گردنه‌ی اسدآباد به یکی از گذرگاه‌های اصلی عبور سپاهیان بدل شود. مورخان یونانی و رومی - از جمله ایسیدور خاراکسی - آدراپانا را یکی از ایستگاه‌های رسمی راه شاهی ماد دانسته‌اند که اقامتگاه شاهی نیز در آن قرار داشته است (خاراکسی، ۱۳۹۰: ۱۷ و ۴۵). در این دوره، گردنه علاوه بر کارکرد نظامی، نقشی اقتصادی و آیینی نیز داشت؛ چرا که هم گذرگاه کاروان‌های بازرگانی بود و هم به سبب باورهای دینی، محلی مقدس به شمار می‌رفت.

در روزگار ساسانی، اهمیت گردنه‌ی اسدآباد به بالاترین سطح خود رسید. این دوره هم‌زمان با تثبیت مرزهای غربی ایران در برابر امپراتوری روم شرقی بود و رشته‌کوه زاگرس، به‌ویژه مسیر همدان-کرمانشاه، به یکی از محورهای اصلی جابه‌جایی سپاه و تدارکات نظامی تبدیل شد. منابع تاریخی، از جمله *مجم‌التواریخ و القصص*، شهر و گردنه‌ی اسدآباد را به اردشیر بابکان نسبت می‌دهند (مجم‌التواریخ و القصص، ۱۳۸۴: ۵۱۹-۵۲۰). بر پایه‌ی همین منابع، خسرو پرویز در نبرد با بسطام از این مسیر بهره برد و پیروزی خود را مرهون تسلط بر گذرگاه‌های طبیعی الوند دانسته‌اند (کولسینکف، ۲۵۳۷: ۱۶۸).

در این دوران، گردنه‌ی اسدآباد علاوه بر کارکرد نظامی، مرکز مبادلات اقتصادی نیز به‌شمار می‌رفت و محل عبور کاروان‌های داخلی بود. وجود اقلیم کوهستانی، منابع آب کافی و امنیت

نسبی مسیر، موجب رونق تجارت میان نواحی مرکزی و غربی کشور شد. به‌ویژه نزدیکی اسدآباد به مراکز مهم سیاسی همچون همدان و کرمانشاه، این منطقه را به نقطه‌ای محوری در مبادلات اقتصادی عصر ساسانی بدل کرد. افزون بر این، ساسانیان در فصل تابستان همدان را به‌عنوان اقامتگاه ییلاقی خود برمی‌گزیدند؛ گرچه از سرمای سخت و یخبندان‌های اسدآباد هراسان بودند و گاه ناچار می‌شدند از نیمه‌ی راه بازگردند (صابری، ۱۳۸۲: ۶۷).

۲. گردنه اسدآباد از دوران اسلامی تا روزگار صفوی

با گسترش فتوحات اسلامی در قرن هفتم میلادی، ساختار جغرافیای سیاسی ایران دگرگون شد و راه‌های ارتباطی غرب کشور اهمیتی تازه یافتند. شهر همدان به‌عنوان یکی از مراکز مهم منطقه‌ی «جبال» یا عراق عجم، نقش راهبردی خود را در پیوند شرق و غرب ایران حفظ کرد. در این میان، گردنه اسدآباد همچنان حلقه‌ی اصلی ارتباط میان همدان و کرمانشاه و گذرگاه طبیعی به سوی بین‌النهرین باقی ماند.

جغرافی‌دانان و مورخان اسلامی، همچون اصطخری، مقدسی و یاقوت حموی، در آثار خود به اهمیت راه‌های غرب ایران اشاره کرده‌اند. اصطخری مسیر همدان به دینور را از طریق گردنه‌ی اسدآباد دانسته و آن را از سخت‌ترین گذرگاه‌های ایران معرفی می‌کند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۸۷). همچنین ابن‌رسته در قرن سوم هجری در توصیف این گردنه می‌نویسد: «در بالای آن، کاروانسرای وجود دارد و همواره هوا سرد و یخبندان است» — نشانه‌ای از قدمت و رونق مسیر در آن دوران (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۱۹۶). توصیف‌های مشابهی از دیگر جغرافی‌نویسان اسلامی مانند صاحب حدودالعالم نیز دیده می‌شود که اسدآباد را یکی از منزلگاه‌های مسیر حجاج به عتبات معرفی می‌کند (حدودالعالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۶۲: ۱۴۱).

در سده‌های نخستین اسلامی، این مسیر افزون‌بر کارکرد اقتصادی، نقش نظامی مهمی نیز داشت. سپاهیان خلافت عباسی و سپس آل‌بویه و سلجوقیان، برای رسیدن به همدان و نواحی مرکزی ایران ناگزیر از عبور از این گردنه بودند. ابوحنیفه دینوری در *انخبار الطوال* گزارش می‌دهد که در نبرد میان امین و مأمون، سپاهیان مأمون پس از پیروزی در ری، از گردنه‌ی اسدآباد گذشتند و در شهر اسدآباد اردو زدند (دینوری، ۱۳۶۴: ۴۴۰). این روایت نشان می‌دهد که اسدآباد در قرن دوم هجری، نه فقط گذرگاهی ارتباطی، بلکه پایگاهی نظامی در مسیر جابه‌جایی سپاه بوده است.

در قرون میانی اسلامی، اسدآباد از رونق اقتصادی چشمگیری برخوردار شد. ابن حوقل آن را شهری آباد با روستاهای پرجمعیت و محصولات کشاورزی فراوان توصیف می‌کند (ابن حوقل، ۱۳۷۷: ۱۰۳). مقدسی نیز از بازارهای پررونق، عسل مرغوب و معماری منظم شهر سخن می‌گوید (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۸۷). نویسنده‌ی *حدودالعالم* نیز از نعمت و آبادانی این ناحیه یاد کرده است (همان، ۱۴۱).

موقعیت گردنه‌ی اسدآباد در مسیر اصلی کاروان‌های تجاری ایران و عراق، موجب شکوفایی اقتصادی و فرهنگی این منطقه شد. مقدسی درباره‌ی این شهر می‌نویسد: «شهری کوچک ولی پر ساختمان است. بازاری گرم، محصولی بسیار و عسلی نیکو دارد. ایوان کسری در یک فرسخی شهر است. گردنه‌ی کوه همدان را از اسدآباد جدا می‌کند و آبی روان دارد. مسجد جامع در کوچه‌ای آباد، زیبا و دور از بازار قرار گرفته است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۸۷). در ساختمانی که یاقوت حموی آن را «مطابخ کسری» یا آشپزخانه‌ی خسرو نامیده، نشانه‌هایی از معماری تاریخی به چشم می‌خورد (حموی، *معجم البلدان*، ج ۱: ۲۳۴). لسترنج نیز نوشته است که در این شهر مسجدی جامع و بازارهایی معمور وجود داشت و اطراف آن سرزمینی حاصلخیز بود که در آن عسل فراوان به دست می‌آمد (لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۱۱). حمدالله مستوفی در *نزهة القلوب* مردم اسدآباد را خوش‌سیمما و فعال در کشاورزی و بازرگانی معرفی می‌کند. او این شهر را از اقلیم چهارم می‌داند؛ شهری کوچک با آب‌وهوایی معتدل که آب آن از کوه اروند و قنوات تأمین می‌شود. محصولات کشاورزی‌اش شامل غلات، پنبه، میوه و انگور است. او مردم اسدآباد را سفیدچهره و پیرو مذهب شافعی سنی توصیف می‌کند و می‌افزاید که حقوق دیوانی شهر در دوران مغول یک تومان و پانصد دینار بوده و ولایت آن شامل سی‌وپنج پاره‌دیه بوده است (مستوفی، *نزهة القلوب*: ۸۱). یاقوت حموی نیز درباره‌ی اسدآباد می‌نویسد: «اسدآباد شهری است در کوهستان، نزدیک همدان و در مسیر راه ری به بغداد» — مطلبی که بار دیگر نشان می‌دهد این ناحیه به سبب موقعیت در مسیر کاروان‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است (حموی، همان).

با ظهور سلجوقیان در قرن پنجم هجری، اهمیت نظامی و سیاسی گردنه دوچندان شد. همدان در این دوران پایتخت موقت سلجوقیان بود و نیاز به مسیرهای امن میان همدان، غرب ایران و بغداد بیش‌تر احساس می‌شد. در این زمان، گردنه‌ی اسدآباد یکی از نقاط کلیدی دفاعی در برابر شورش‌های داخلی و حملات خارجی بود. منابع تاریخی گزارش کرده‌اند که پس از مرگ سلطان

محمد بن ملک‌شاه، در بحران جانشینی، نبردی میان نیروهای سلجوقی در همین گردنه روی داد و مسعود بن محمد و سپاهیان‌ش در این ناحیه شکست خوردند (باسورث، ۱۳۸۱: ۱۲۳). این رخداد نشان‌دهنده‌ی جایگاه راهبردی گردنه در تحولات سیاسی ایران میانه‌ی قرون اسلامی است.

در سده‌های هفتم و هشتم هجری، با یورش مغولان و سپس برآمدن حکومت‌های محلی چون ایلخانان، قره‌قویونلو و آق‌قویونلو، گردنه‌ی اسدآباد همچنان مسیر عبور سپاه و کاروان باقی ماند. گفته می‌شود حملات هلاکوخان به قلمرو خلفای عباسی نیز از همین مسیر صورت گرفته است (بویل، ۱۳۸۱: ۳۲۷). هرچند ناامنی‌های ناشی از جنگ‌ها گاه موجب رکود موقت در منطقه شد، اما موقعیت طبیعی و جغرافیایی گردنه مانع از حذف کامل آن از شبکه‌ی ارتباطی ایران گردید.

با استناد به نوشته‌های مورخان یادشده، می‌توان نتیجه گرفت که اسدآباد یکی از چند شهر مهم و بزرگ منطقه‌ی جبال بوده است که از نظر اهمیت با دینور، همدان، کرمانشاه و بروجرد برابری می‌کرد. مهم‌تر از آن، قرار گرفتن این شهر در مسیر جاده‌ی ابریشم بود که بر نقش اقتصادی و استراتژیک آن در تاریخ ایران افزوده است (مؤمن، ۱۴۰۲: ۴).

۳. اسدآباد از دوره‌ی صفویه تا دوران معاصر

با استقرار دولت صفوی در اوایل قرن دهم هجری، سیاست تمرکز قدرت و ایجاد نظام ارتباطی منسجم در ایران بار دیگر اهمیت یافت. موقعیت مرزی ایران در غرب و جنگ‌های مکرر با امپراتوری عثمانی سبب شد تا راه‌های منتهی به بین‌النهرین، به‌ویژه مسیر همدان-کرمانشاه، نقشی حیاتی در جابه‌جایی نیروها و تدارکات نظامی پیدا کنند. هرچند در منابع تاریخی نامی مستقیم از گردنه‌ی اسدآباد نیامده است، اما این گردنه به‌عنوان یکی از حلقه‌های اصلی این محور ارتباطی، نقش مهمی را ایفا می‌کرد (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۹۶).

صفویان که در اندیشه‌ی تثبیت مرزهای غربی بودند، به اهمیت این گردنه در انتقال نیرو و تجهیزات واقف بودند. بسیاری از لشکرکشی‌های صفویان علیه عثمانیان از مسیر همدان-کرمانشاه انجام می‌گرفت و کنترل گردنه‌ی اسدآباد به‌منزله‌ی تسلط بر شریان حیاتی غرب کشور بود. اسدآباد در دوره‌ی صفوی جزئی از ایالت کرمانشاه و کلهر به‌شمار می‌رفت. این منطقه که میان کردستان، لرستان و همدان قرار داشت، به‌ندرت در منابع به‌طور مستقل ذکر شده است.

از ابتدای سلطنت شاه طهماسب اول، وقایع‌نامه‌ها از حاکمیت طوایف کرد کلهر در این ناحیه یاد می‌کنند که اغلب نیز از تبار کرد بودند. در زمان شاه اسماعیل دوم، به نام حاکم کرمانشاهان به‌وضوح اشاره می‌شود و اسدآباد به‌عنوان بخشی از کرمانشاهان و در ارتباط با نواحی سنقر و دینور بیان شده است (وفایی، ۱۴۰۱: ۵). در اواخر دوران صفوی، اولیاء چلبی، جهانگرد عثمانی که از ایران دیدن کرده و از اسدآباد گذر نموده، این شهر را در آن زمان شهری مستحکم با قلعه‌ای چهارضلعی در قلمرو عراق عجم توصیف کرده است: «سلطان‌نشینی است در قلمرو همدان و در خاک عراق عجم که حاکمش صاحب هزار غلام است. اسدآباد در دو منزلی راه همدان به عراق قرار دارد. بنابر آنکه اسدالدین کرمانی آن را بنا نهاده، بدان قلعه‌ی اسدآباد می‌گویند. قلعه‌ای چهارضلعی و مستحکم دارد.» (چلبی، ۱۳۹۹: ۲۲۹) برخلاف گزارش چلبی که آن را شهری مستحکم می‌داند، پیتر و دلاواله، جهانگرد ایتالیایی، اسدآباد را روستایی بزرگ وصف کرده و بر اهمیت ارتباطی آن تأکید دارد: «پس از گذشتن از ده‌های متعدد، شب را در ده بزرگی به نام سعدآباد (اسدآباد) گذرانیدیم. قاطرچیان آن از همین محل بودند و ما را به خانه‌ی خود بردند. با وجود شتاب فراوان، مجبور شدیم سه روز در آنجا بمانیم.» (دلاواله، ۱۳۸۴: ۱۶)

در این دوره، شکوفایی تجارت و گسترش مناسبات ایران با غرب، بُعد اقتصادی گردنه را بیش از پیش تقویت کرد. کاروان‌های تجاری حامل کالاهای ایرانی به سوی عثمانی و بالعکس، از همین مسیر عبور می‌کردند. از سوی دیگر، از زمان صفویه، موج گسترده‌ی سفرهای زیارتی به عتبات عالیات از مسیر همدان- اسدآباد- کرمانشاه شکل گرفت و این گذرگاه جنبه‌ای مذهبی و فرهنگی نیز یافت. این ویژگی، جایگاه گردنه را در حافظه‌ی جمعی ایرانیان تثبیت کرد.

اگرچه منابع جغرافیایی دوره‌ی صفوی درباره‌ی اسدآباد چندان مفصل نیستند، اما کتیبه‌ها و فرمان‌های برجای‌مانده حکایت از رونق اقتصادی و اهمیت محلی آن دارند؛ از جمله:

- حکم شاه طهماسب اول درباره‌ی بخشودگی مالیات اسدآباد
 - حکم شاه طهماسب اول درباره‌ی تخفیف مالیات چهارپا
 - حکم شاه عباس اول در خصوص تخفیف مالیات ماه رمضان سال ۱۰۲۶ هـ.ق
 - حکم شاه سلیمان صفوی درباره‌ی تعمیر مسجد جامع اسدآباد به‌دست علی‌خان زنگنه
- تمام این کتیبه‌ها در مسجد جامع اسدآباد نگهداری می‌شوند و نشان‌دهنده‌ی جایگاه اقتصادی و مذهبی منطقه در دوران صفوی‌اند (وفایی، همان، ص ۶-۷).

در دوره‌ی افشاریه، اهمیت نظامی این مسیر همچنان پایدار ماند. نادرشاه افشار در لشکرکشی‌های خود به مرزهای غربی و حرکت به سوی بغداد، از مسیر اسدآباد عبور کرده است. گزارش‌ها حاکی از آن‌اند که سپاهیان نادر در بازگشت از عراق نیز از این ناحیه گذر کرده‌اند؛ امری که استمرار نقش راهبردی گردنه را در تحولات نظامی سده‌ی دوازدهم هجری نشان می‌دهد. گزارش‌های متأخر نیز تأکید دارند که اولیاء چلبی هنگام عبور از همدان به کرمانشاه، دوباره از گردنه‌ی اسدآباد گذشت و آن را چنین وصف کرد: «گردنه‌ای صعب‌العبور و بسیار پربرف است.» (چلبی، همان، ۱۳۹۹: ۲۲۹)

بدین ترتیب، از دوره‌ی صفویه تا افشاریه، گردنه‌ی اسدآباد نقشی پایدار در راهبردهای نظامی، تجاری و مذهبی غرب ایران ایفا کرد و پیونددهنده‌ی شرق و غرب فلات ایران باقی ماند. در دوره‌ی زندیه، با وجود درگیری‌های داخلی و انتقال قدرت میان خاندان‌های محلی، گردنه‌ی اسدآباد همچنان در مسیر حرکت سپاه‌ها و کاروان‌ها قرار داشت. هرچند منابع زندیه کمتر به‌طور مستقیم از این گردنه یاد کرده‌اند، اما گزارش‌های مربوط به حرکت نیروهای کریم‌خان زند از همدان به کرمانشاه و عبور آنان از اسدآباد، نشان می‌دهد که مسیر مزبور در این زمان نیز فعال و مورد استفاده بوده است (گلستانه، ۱۳۳۰: ۱۲۵؛ نامی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۱۷۰).

با آغاز حکومت قاجار، اهمیت گردنه ابعاد جدیدی یافت. دولت مرکزی، برای تثبیت اقتدار خود در غرب کشور و کنترل ایلات، ناگزیر از تسلط بر این گذرگاه بود. در همین دوران، سفرنامه‌های متعددی از جهانگردان و مأموران اروپایی از جمله فلاندن، بایندر و اولیویه منتشر شد که در آنها گردنه‌ی اسدآباد به‌عنوان یکی از سخت‌گذرترین و در عین حال زیباترین مسیرهای ایران توصیف شده است. فلاندن در سفرنامه‌اش از وجود تنگه‌های خطرناک و حضور راهزنان در اطراف گردنه یاد کرده و می‌نویسد که این ناحیه به‌دلیل موقعیت کوهستانی و بارش‌های سنگین برف، همواره دشوار اما غیرقابل جایگزین بوده است (فلاندن، ۲۵۳۶: ۱۸۵).

در همین دوره، عباس میرزا به‌منظور بهبود امنیت راه‌ها، شبکه‌ی چاپارخانه‌هایی در مسیرهای اصلی کشور — از جمله مسیر همدان-کرمانشاه ایجاد کرد تا انتقال سریع خبر و نیرو ممکن شود (عبدلی‌فرد، ۱۳۸۳: ۶۲۳). یکی از چاپارخانه‌های مهم این شبکه در نزدیکی اسدآباد قرار داشت و بدین ترتیب، گردنه در قرن سیزدهم هجری نه تنها محور ارتباطی، بلکه حلقه‌ای از نظام ارتباطی نوین ایران شد.

از منظر فرهنگی و مذهبی، سفرهای زائران ایرانی به عتبات عالیات در دوره‌ی قاجار به اوج خود رسید. کاروان‌های متعدد از شهرهای شمال، مرکز و شرق ایران پس از رسیدن به همدان، از گردنه‌ی اسدآباد عبور می‌کردند. ادیب‌الملک، که وی را *دلیل‌الزائرین* نیز نامیده‌اند و برادر بزرگ محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه (صنیع‌الدوله) بود، در سفرنامه‌ی خود از دشواری گذر از گردنه چنین یاد می‌کند: «...از طرف همدان به سعدآباد چندان گردنه را صعوبت و سختی نیست، لیکن در مراجعت، آن بدبختی که بگویند در زمستان از آنجا به سلامت گذشتم کیست؟ زیرا که هرچه می‌نگری بلند است و در آنجا جان مترددین دریند...» (ادیب‌الملک، ۱۳۶۴: ۳۹)

گزارش‌های سفرنامه‌نویسان اروپایی سده‌ی نوزدهم میلادی نیز نشان می‌دهد که عبور از این گردنه در زمستان دشوار بوده و گاه به تعطیلی کامل مسیر می‌انجامیده است. افزون بر این، ناامنی ناشی از ضعف حکومت مرکزی در برخی سال‌ها، خطر حمله‌ی راهزنان را افزایش داده بود. بایندر در سفرنامه‌ی خود از سراسیمگی تند گردنه‌ی اسدآباد یاد کرده و می‌نویسد که در ماه نوامبر (آذرماه)، باران و باد شدید حرکت را برای کاروان آنان بسیار دشوار ساخته بود (بایندر، ۱۳۷۰: ۴۲۸-۴۲۹). در همین دوران، سفرهای زیارتی شیعیان ایرانی به عتبات عالیات بیش از پیش گسترش یافت و مسیر همدان- اسدآباد- کرمانشاه به محور اصلی این کاروان‌ها تبدیل شد. بدین‌سان، جایگاه گردنه در فرهنگ عمومی و حافظه‌ی جمعی مردم ایران تثبیت شد. ناصرالدین‌شاه قاجار نیز در خاطرات خود به موقعیت شهر و گردنه‌ی اسدآباد اشاره کرده و چنین نوشته است: «...به اسدآباد دو راه است، یکی راه قافله و زواری است که از گردنه‌ی اسدآباد می‌رود، و راه دیگر از پایین‌تر است که برای کالسکه ساخته‌اند... راه کالسکه چندان خوب نیست... کاروانسرای بسیار مجلل و بزرگی به‌صورت مدور می‌سازند، عمله‌ها مشغول کار بودند و همان‌جا کوره‌ی آجرپزی برپا کرده بودند... بعد از ناهار رانندیم، ده خوبی و پرآبی بود به نام مرهم‌دره، ملکی از بیوک افشار، با باغات انگور فراوان...» او در ادامه به سد قدیمی اسدآباد اشاره می‌کند که آب در پشت آن جمع می‌شد و به جلگه‌ی اسدآباد می‌رسید. شاه همچنین از وجود کتیبه‌ای به خط میخی در بالای کوه و بازدید سیاحان اروپایی از آن سخن گفته است (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۲: ۳۳۲-۳۳۴).

ایرانیان بسیاری که برای زیارت عتبات از این مسیر می‌گذشتند، از شهر و امکانات آن نیز نوشته‌اند. ادیب‌الملک در وصف شهر اسدآباد (که او *سعدآباد* نامیده) چنین آورده است: «... قصبه‌ی سعدآباد به قدر صد دکان و سه حمام دارد و سیصد خانوار در آن می‌شمارند. باغاتش بسیار است

و میوجاتش بی‌شمار. تا سه ساعت از شب گذشته، سه طبل می‌زنند و هرکس پس از آن از خانه بیرون آید گرفته و حبس می‌کنند. از خارج و داخل بسیار منتظم است و حاکمش بی‌نهایت محترم...» (ادیب‌الملک، ۱۳۶۴: ۴۰)

در آغاز سده‌ی بیستم و هم‌زمان با جنگ جهانی اول، بار دیگر موقعیت نظامی گردنه‌ی اسدآباد برجسته شد. نیروهای عثمانی و بریتانیایی در رقابت برای کنترل غرب ایران، از مسیرهای همدان و کرمانشاه عبور کردند و اسدآباد به صحنه‌ی تردد نیروهای بیگانه تبدیل شد. گزارش‌های نظامی بریتانیا و سفرنامه‌ی بلوشر نشان می‌دهد که گردنه به سبب ارتفاع زیاد و سرمای شدید، عبور سپاه را دشوار کرده بود، اما در عین حال، کلید تسلط بر مسیر همدان- بین‌النهرین محسوب می‌شد (بلوشر، ۱۳۵۸: ۴۰). جکسون نیز در سفرنامه‌ی خود به سختی عبور از گردنه در هوای برفی اشاره دارد: «... در میان توفان تگرگ و برف که بی‌رحمانه در بیشتر روز از سمت شمال می‌وزید، حرکت را آغاز کردم و پس از دوازده ساعت طی مسافتی کمتر از چهل و هشت کیلومتر، دوباره به همدان رسیدم.» (جکسون، همان: ۲۸۲)

در مجموع، از دوره‌ی زندیه تا اوایل قرن بیستم، گردنه‌ی اسدآباد نه تنها کانونی استراتژیک در مسیر غرب ایران، بلکه فضایی چندوجهی بود که در عرصه‌های نظامی، ارتباطی، فرهنگی و مذهبی نقش مؤثری ایفا کرد.

با آغاز جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸ م)، ایران با وجود اعلام بی‌طرفی رسمی، به واسطه‌ی موقعیت ژئوپلیتیک حساس خود، به سرعت به عرصه‌ی رقابت و درگیری قدرت‌های خارجی تبدیل شد. در این میان، محور همدان- کرمانشاه و به تبع آن، گردنه‌ی اسدآباد، اهمیت راهبردی ویژه‌ای یافت و مجدداً به شاهراه اصلی عبور نیروهای نظامی مبدل گشت.

در سال ۱۹۱۴ م (۱۲۹۳ ه. ش)، هم‌زمان با شعله‌ور شدن آتش جنگ در اروپا، نفوذ بیگانگان به خاک ایران آغاز شد و اسدآباد به یکی از مناطقی بدل گشت که تحت اشغال نیروهای متخاصم درآمد. نیروهای بریتانیایی، تحت عنوان دانسترفورس، از این گذرگاه برای ادامه‌ی پیشروی به سوی همدان بهره بردند. از سوی دیگر، نیروهای عثمانی نیز تلاش می‌کردند از محور کرمانشاه، در عمق خاک ایران نفوذ کنند (مجد، ۱۳۸۷: ۱۶-۱۷، ۲۱، ۲۴، ۴۵، ۵۳). در این برهه‌ی حساس، کنترل گردنه‌ی اسدآباد برای هر یک از طرفین به معنای در دست داشتن «کلید ارتباط میان مرکز ایران و جبهه‌های غربی» بود. گزارش‌های نظامی بریتانیا مؤید آن است که چالش‌های جدی در

این مسیر شامل سختی عارضه‌ی راه، سرمای شدید زمستان و مقاومت احتمالی مردم محلی بوده است.

هم‌زمان، دولت آلمان نیز هیئتی را مأمور ساخت تا در ایران موانعی در مسیر پیشروی قوای روسیه و بریتانیا ایجاد کرده و ایران را، با وجود اعلام بی‌طرفی، برای ورود به جنگ تحریک نماید. بلوشر، که یکی از اعضای اصلی این هیئت آلمانی بود، توانست در این مأموریت به موفقیت‌هایی دست یابد. بلوشر در سفرنامه‌اش به وضعیت اسدآباد و موقعیت حساس گردنه اشاره می‌کند. او می‌نویسد که پس از سقوط همدان به دست روس‌ها، نیروهای عثمانی که در تثبیت موقعیت خود در اسدآباد ناکام مانده بودند، سرانجام شهر را در سال ۱۹۱۵ م (۱۳۳۴ ه. ق.) بدون دفاع به روس‌ها واگذار کردند (بلوشر، ۱۳۵۸: ۴۰).

نتیجه‌گیری

بررسی همه‌جانبه‌ی تاریخی و جغرافیایی گردنه‌ی اسدآباد آشکار می‌سازد که این گذرگاه، از دوران باستان تا عصر معاصر، همواره یکی از کلیدی‌ترین نقاط ارتباطی فلات ایران با سرزمین‌های غربی محسوب می‌شده است. موقعیت منحصر به فرد طبیعی آن، واقع در میان کوهستان الوند و دشت‌های کرمانشاه، این منطقه را به‌صورت ناگزیر به حلقه اتصال ایران مرکزی با بین‌النهرین تبدیل کرده است. این ویژگی جغرافیایی، بستر پیدایش نقشی تاریخی و پایدار را برای گردنه فراهم آورده است؛ نقشی که در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی تبلور یافته است. در پاسخ به پرسش بنیادین این پژوهش مبنی بر اینکه «چرا و چگونه گردنه‌ی اسدآباد در طول تاریخ ایران جایگاهی پایدار و راهبردی داشته است؟»، یافته‌ها نشان می‌دهد که سه عامل عمده در تداوم این اهمیت نقش داشته‌اند:

۱. عامل جغرافیایی و طبیعی: موقعیت کوهستانی گردنه در میانه‌ی فلات ایران و قرارگرفتن آن در امتداد محور استراتژیک همدان- کرمانشاه، موجب شده تا این منطقه از دیرباز تنها گذرگاه قابل اعتماد برای سپاهیان و کاروان‌های تجاری در میان ارتفاعات الوند باشد. این ویژگی فیزیکی، مانع از آن شده که مسیر جایگزین پایداری در طول تاریخ بتواند کارکرد محوری آن را کاملاً حذف کند.

۲. عامل سیاسی - نظامی: در تمامی دوره‌های تاریخی، از عصر ماد و هخامنشی گرفته تا دوران صفوی و قاجار، دولت‌های حاکم تسلط بر این گردنه را به مثابه کنترل بر شاهراه غربی ایران دانسته‌اند. از عبور سپاهیان باستانی گرفته تا رقابت قدرت‌های خارجی در جنگ جهانی اول، این گردنه همواره در متن تحولات عمده‌ی سیاسی و نظامی کشور حضور داشته است.

۳. عامل اقتصادی - فرهنگی: عبور کاروان‌های تجاری، انتقال محصولات حیاتی و به‌ویژه حرکت کاروان‌های زیارتی در مسیر عتبات عالیات، به گردنه‌ی اسدآباد بُعدی فرهنگی و معنوی بخشیده است. بدین‌سان، این گذرگاه نه تنها یک راه ارتباطی، بلکه بخشی از حافظه‌ی مذهبی و فرهنگی جامعه‌ی ایرانی نیز شده است.

گردنه‌ی اسدآباد نمونه‌ای شاخص از پیوند عمیق میان جغرافیا و تاریخ در ایران است. در این نقطه، ویژگی‌های طبیعی با انگیزه‌های سیاسی و الزامات فرهنگی درهم آمیخته و موجب شده‌اند تا این گذرگاه در گذر قرن‌ها، نقش محوری خود را در شکل‌دهی به حوادث تاریخی و جریان‌های ارتباطی کشور حفظ کند. استمرار این جایگاه تا دوره‌ی معاصر، تأکیدی است بر این نکته که جغرافیای طبیعی، در کنار تصمیمات سیاسی، نقشی اساسی در تکوین هویت تاریخی ایران ایفا کرده است.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که گردنه‌ی اسدآباد صرفاً یک مسیر طبیعی عبور نبوده، بلکه نمادی از تعامل پایدار انسان، تاریخ و طبیعت در شکل‌گیری تمدن ایرانی است؛ گذرگاهی که از دوران ماد تا امروز، روایتگر پیوند جغرافیایی و فرهنگی شرق و غرب ایران باقی مانده است.

منابع و مأخذ

کتاب‌ها

- ابن حوقل، محمد (۱۳۶۶)، *سفرنامه ابن حوقل: ایران در صورۃ الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ابن‌رسته، احمد بن عمر (۱۳۶۵)، *الاعلاق النفیسه*، ترجمه و تعلیق حسین قره‌چانلو، تهران: امیرکبیر.

- ادیب‌الملک، عبدالعلی خان (۱۳۶۴)، *سفرنامه ادیب‌الملک به عتبات*، تصحیح مسعود گلزاری، تهران: انتشارات دادجو.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم. (۱۳۴۰)، *مسالک و ممالک*، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اولیویه، گ (۱۳۷۱)، *سفرنامه اولیویه (تاریخ اجتماعی- اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار)*، ترجمه محمدطاهر میرزا، تصحیح غلامرضا ورهرام، تهران: انتشارات اطلاعات.
- بارتولد، و (۱۳۰۸)، *جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه حمزه سردادور، تهران: بی‌نا.
- بایندر، هنری (۱۳۷۰)، *سفرنامه هنری بایندر*، ترجمه کرامت‌الله افسر، تهران: فرهنگسرا.
- بلوشر، ویپررت فون (۱۳۵۸)، *سفرنامه بلوشر*، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: خوارزمی.
- چلبی، اولیاء (۱۳۹۹)، *سفرنامه اولیاء چلبی به ایران*، ترجمه و پژوهش علی ابوالقاسمی و مهدی وزینی افضل، جیرفت: دانشگاه جیرفت.
- حدودالعالم من المشرق الی المغرب (۱۳۶۲)، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: طهوری.
- خاراکی، ایزیدور (۱۳۹۰)، *ایستگاه‌های پارتی*، ترجمه: فیروز حسن عزیز، تهران: انتشارات گنجینه هنر.
- خدادادیان، اردشیر (۱۳۸۳)، *تاریخ ایران باستان*، تهران: سخن.
- دلاواله، پیتر (۱۳۸۴)، *سفرنامه پیتر دلاواله*، ترجمه: شعال‌الدین شفا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود (۱۳۶۴)، *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- جمالی، صفات‌الله (۱۳۵۲)، *سید جمال‌الدین اسدآبادی*، تهران: انتشارات بوعلی.
- صابری، احمد (۱۳۸۲)، «تاریخ مفصل همدان»، قم: بی‌نا.
- عبدلی‌فرد، فریدون (۱۳۸۳)، *چاپارخانه‌ها و راه‌های چاپاری در ایران*، تهران: هیرمند.
- غنی‌پارسا، مهدی (۱۳۹۵)، *سیری در تاریخ، فرهنگ و هنر اسدآباد*، همدان: مؤلف.

- فلاندن، اوژن. (۲۵۳۶)، *سفرنامه اوژن فلاندن*، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: نقش جهان.
- قدکسار، محمدرضا (۱۳۷۵)، *وجه تسمیه شهرهای ایران*، تهران: گل گشت.
- کولسنیکف، آ. ای (۲۵۳۷)، *ایران در آستانه یورش تازیان*، ترجمه م. ر. یحیایی، تهران: انتشارات آگاه.
- گونتر، آ (۱۳۸۱)، *تاریخ ایران کمبریج، جلد پنجم (اثر باسورث و بویل)*، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- گریشمن، رومن (۱۳۷۲)، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گلستانه، محمدامین (۱۳۳۰)، *مجموعه التواریخ پس از نادر*، تهران: چاپخانه شرکت طبع کتاب.
- لسترنج، گای (۱۳۷۷)، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.
- مالکوم، کالج (۲۵۳۷)، *پارتیان*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات سحر.
- *مجموعه التواریخ و القصص* (۱۳۸۴)، تصحیح ملک‌الشعرا بهار و علی‌اصغر عبداللهی، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۳)، *نزهة القلوب*، تهران: دنیای کتاب.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۶۳)، *ایران در عهد باستان (در تاریخ اقوام و پادشاهان پیش از اسلام)*، تهران: اشراقی.
- ————— (۱۳۷۱)، *جغرافیای تاریخی ایران باستان*، تهران: دنیای کتاب.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم (جلد دوم)*، تهران: چاپ کاویان.
- منجم یزدی، جلال الدین محمد (۱۳۶۶)، *تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال*، تهران: انتشارات وحید.
- مهرآفرین، رضا (۱۳۹۳)، *شهرهای ساسانی*، تهران: انتشارات سمت.

- ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۷۲)، *شهریار جاده‌ها (سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات)*، به کوشش محمدرضا عباسی و پرویز ربیعی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- نامی اصفهانی، محمدصادق (۱۳۶۳)، *تاریخ گیتی گشا*، تهران: اقبال.

مقالات

- احدیان، محمدمهدی (۱۳۸۸)، «بررسی ریشه‌شناختی دو جای‌نام در استان همدان (نهادوند، آدراپانا)»، *پژوهش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۱۵، صص. ۱۶۵-۱۷۵.
- «اسدآباد» (۱۳۷۷)، *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۸، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- باسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۸۱)، «تاریخ سیاسی و دودمانی ایران (۶۱۴-۳۹۰ ه.ق.)»، *در: تاریخ ایران کمبریج*، جلد پنجم، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- بویل، ج. ا. (۱۳۸۱)، «تاریخ دودمانی و سیاسی ایلخانان»، *در: تاریخ ایران کمبریج*، جلد پنجم، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- مؤمن، ابوالفتح (۱۴۰۲)، «جغرافیای تاریخی روستاهای منطقه چهاردولی اسدآباد همدان در دوره قاجار»، *تاریخ روستا و روستانشینی در ایران و اسلام*، سال اول، شماره ۱، صص ۵۷-۸۳.
- وفایی، آرمان (۱۴۰۱)، «پژوهش در اوضاع اجتماعی اسدآباد در دوره صفوی بر اساس منابع مکتوب و کتبی‌ها»، *مطالعات باستان‌شناسی دوران اسلامی*، دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صفحات ۴۱ تا ۵۹.

1. Brunner, C. J. (1985), "Aderpana", *Encyclopaedia Iranica*, Vol. I, Fascicle 5, pp. 473-475, New York: Columbia University Press.